

گوهری کز صدف کون و مکان بیرون است

گفت و گو با پروفسور شارل هانری دوفوشه کور، مترجم دیوان حافظ به فرانسه

اشاره:

شارل هانری دوفوشه کور، ایران‌شناس فرانسوی، از پژوهشگران فعالی است که در زمینه تحقیقات ایرانی سال‌ها تلاش کرده است. ترجمه و شرح دیوان حافظ او (به زبان فرانسه) در جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در بهمن‌ماه ۱۳۸۶ در بخش مطالعات ایرانی برگزیده شد. گفت‌وگوی حاضر، در روزهای برگزاری مراسم جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران دست داد.

جناب استاد، شما چگونه به ادبیات ایران علاقه‌مند شدید و به طور کلی آشنایی شما با ادبیات ایران، به چه زمانی بازمی‌گردد؟

فوشه کور: جواب این سؤال طولانی است ولی من سعی می‌کنم آن را کوتاه کنم. من وقتی جوان بودم و در زمان جنگ جهانی مشغول خدمت سربازی بودم، روزی در کنار جوانی الجزایری بودم که ناگاه متوجه شدم سرش را روی شانه من گذاشته و جان به جان آفرین تسلیم کرده است، از آن روز به بعد فکر من به طور کلی عوض شد و تصمیم گرفتم با تمدن اسلامی آشنا شوم لذا به تونس رفتم و زبان عربی آموختم، پس از سه سال استاد من، به من گفت: «می‌بینم شما به تمدن اسلامی علاقه‌مند

هستید، بنابراین سفارش من به شما این است که اگر می‌خواهید بنیانگذاران تمدن اسلامی را بشناسید، با فرهنگ و تمدن ایرانیان آشنا شوید و برای این کار لازم است زبان فارسی را بیاموزید.» و من در آن دوره به دلیل این که فرصت نیافتم به ایران بیایم و با فرهنگ و زبان فارسی آشنا شوم به پاریس بازگشتم و وارد مدرسه عالی زبان‌های شرقی شدم و به تحصیل در رشته زبان و ادبیات فارسی پرداختم. در پی آن رساله‌ای با موضوع تصاویر شعر فارسی در قرن پنجم نوشتم. من همیشه بر این باور بودم که پشت این تصاویر، اندیشه‌ای نهفته است؛ لذا به تحقیق و جست‌وجو پرداختم و برای این که دریابم چرا شاعران و نویسندگان ایرانی، دو قرن سکوت کرده‌اند و به فعالیت‌های ادبی نپرداخته‌اند، به ادبیات پیش از اسلام خصوصاً ادبیات دوره ساسانی مراجعه کردم و شباهت زیادی بین ادبیات آن دوره با دوره پس از اسلام مشاهده نمودم، این شباهت خصوصاً در ادبیات قرن پنجم با دوران پیش از اسلام، بیشتر بود، البته ناگفته نماند که تفاوت‌هایی هم وجود داشت؛ برای نمونه در شاهنامه فردوسی، مطالبی در مورد افراسیاب وجود دارد که به گفته خود فردوسی این مطالب از ادبیات قبل از اسلام - دوره ساسانی - استخراج شده است و یا مثلاً وقتی پندنامه اردشیر را در شاهنامه با متنی که از دوره پیش از اسلام در دست است مقایسه می‌کنیم، متوجه می‌شویم فردوسی از همین منبع استفاده کرده



اشعار حافظ بپردازم و من از آن پس شیفته دیوان حافظ شدم و متوجه شدم تمام مفاهیم عرفانی که تا آن زمان مطالعه کرده‌ام، در دیوان حافظ متمرکز شده است. نکته دیگری که بدان پی بردم کم‌حجمی دیوان حافظ بود به این معنی که حافظ در طول پنجاه سال، فقط پانصد غزل سروده است، یعنی پنج غزل در هر سال. به عقیده من این مسأله به دلیل تمرکز حافظ بر روی اشعار خود و نیز توجه وی به مفاهیم شعری بوده است. خود او در این زمینه می‌گوید من در جست‌وجوی صاحب‌نظری هستم که مرا با حقایق آشنا کند و ما این مفاهیم را فراوان در اشعار او مشاهده می‌کنیم بنابراین من مطالعه در زمینه اشعار حافظ را آغاز کردم و روزی دو سه ساعت کار می‌کردم تا این که در نهایت توانستم اشعار حافظ را به زبان فرانسه ترجمه کنم و با وجود این که حدوداً نیمی از پیغام حافظ در اثر ترجمه تلف شده است؛ اما من توجه و اقبال خوانندگان خصوصاً جوانان را به این کتاب مشاهده نمودم. این کتاب سال گذشته به چاپ رسید و تا به امروز بیش از چهار هزار نسخه آن به فروش رفته است.

آیا شما تمام غزل‌های حافظ را به زبان فرانسه ترجمه کرده‌اید؟

فوشه کور: بله، من تمام اشعار حافظ را به فرانسه ترجمه کردم زیرا به عقیده من اگر در این زمینه انتخابی صورت می‌گرفت و منتخبی از اشعار حافظ به زبان فرانسه ترجمه می‌شد بی‌گمان این انتخاب، انتخاب من بود و نه انتخاب حافظ، بنابراین من تمام اشعار را به فرانسه ترجمه کردم.

آیا پیش از شما از میان استادانی که به زبان فارسی

است، بنابراین من رساله‌ای تحت عنوان همین موضوع انتخاب نمودم و در دانشگاه سوربن فرانسه از آن دفاع کردم. چند سال پیش که جناب آقای خاتمی - رئیس‌جمهور سابق ایران - مسأله گفت‌وگوی تمدن‌ها را مطرح کردند و سخنرانی خوبی نیز راجع به همین موضوع در سازمان ملل ایراد نمودند، بین سخنان ایشان و متن رساله خود شباهت‌های زیادی مشاهده کردم و متوجه شدم مسائلی که در زمینه فرهنگ و تمدن و همچنین تاریخ ادبیات ایران مطرح کرده‌ام درست و مطابق با واقعیت است و این امر بسیار مرا خرسند کرد. خلاصه این که پس از تحقیق و تفحص در زمینه ادبیات پیش از اسلام، به تصوف و عرفان علاقه‌مند شدم؛ لذا به ایران آمدم و با هدایت و راهنمایی آقایان محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار به تحقیق و پژوهش در این زمینه پرداختم و در این اقیانوس بی‌کران غوطه‌ور شدم. پس از دو سال به فرانسه بازگشتم و به دلیل این که عضو مرکز تحقیقات ملی فرانسه بودم، از من خواستند در مدرسه عالی زبان‌های شرقی تدریس کنم و تا سال ۱۹۸۵ م. در زمینه ادبیات و به طور کلی متون ادبی قرون وسطا به تدریس پرداختم. همچنین بسیار علاقه‌مند بودم که به تدریس مثنوی معنوی بپردازم. مثنوی برای من کتابی جذاب بود اما وقتی مطالعه آن را آغاز می‌کردم و مقدار کمی از آن را می‌خواندم، به دلیل این که فهم آن دشوار بود، دچار خستگی می‌شدم؛ بنابراین این مسأله را با جناب آقای نصرالله پورجوادی در میان گذاشتم و خواستم مرا در این زمینه راهنمایی کنند. ایشان به من توصیه کردند که به دلیل مشکل بودن فهم مثنوی برای دانشجویان به تدریس

من تمام اشعار حافظ را به فرانسه ترجمه کردم زیرا به عقیده من اگر در این زمینه انتخابی صورت می‌گرفت و منتخبی از اشعار حافظ به زبان فرانسه ترجمه می‌شد بی‌گمان این انتخاب، انتخاب من بود و نه انتخاب حافظ، بنابراین من تمام اشعار را به فرانسه ترجمه کردم

آشنایی داشتند کسی کل دیوان حافظ را به زبان فرانسه ترجمه کرده بود؟

فوشه کور: خیر، تمامی ترجمه‌ها به صورت گزیده بود و من برای نخستین بار، دیوان حافظ را به طور کامل به فرانسه ترجمه کردم.

اگر ممکن است، درباره‌ی استادانی که در خدمت آنها زبان و ادبیات فارسی را آموختید نیز اندکی صحبت بفرمایید.

فوشه کور: اولین استاد من ژیلبر لازار بود، مدتی نیز شاگرد هانری کرین بودم. در زمینه‌ی زبان‌شناسی نیز شاگرد امیل بنونیست و در زمینه‌ی تاریخ، شاگرد ژان اوین بودم. ژان اوین، موزخی بزرگ و درجه‌ی اول بود و علاقه‌ی زیادی به تاریخ ایران، خصوصاً تاریخ سده‌ی هفتم و هشتم که مصادف با حمله‌ی مغول است، داشت.

همان‌گونه که اشاره فرمودید حوزه‌ی علاقه‌ی شما به عرفان ایرانی - اسلامی است، آیا در این زمینه غیر از ترجمه‌ی اشعار حافظ اثری تألیف کرده‌اید؟

فوشه کور: غیر از ترجمه‌ی اشعار حافظ اثری در این زمینه تألیف نکرده‌ام؛ اما مقالات فراوانی نوشته‌ام. من بسیار جست‌وجوگر هستم و در زمینه‌ی تألیف کتاب، حساسیت زیادی به خرج می‌دهم؛ لذا به راحتی نمی‌توانم کتاب بنویسم و حتی روزی که کتاب ترجمه اشعار حافظ به بازار آمد بسیار متعجب بودم؛ از این‌که چگونه با وجود این همه حساسیت، در نهایت این کتاب به پایان رسید و به بازار آمد، البته من هنوز هم از این اثر آن‌گونه که باید، راضی نیستم و دوست دارم طرحی نو دراندازم و قصد دارم به درک درستی از دوره‌ی حافظ دست یابم. همان‌گونه که اطلاع دارید درباره‌ی تاریخ سده‌ی چهارم و پنجم، ششم و هفتم و حتی دوره‌ی تیموریان تحقیقات فراوانی چه در ایران و چه در خارج از ایران صورت گرفته است؛ حال آن‌که راجع به قرن هشتم که دوره‌ی حافظ است پژوهش‌های درست و عمیقی صورت نگرفته است. تنها چیزی که درباره‌ی این دوره می‌گویند این است که حافظ از شاعران بزرگ این قرن است و درباره‌ی سلمان ساوجی، کمال خجندی، خواجوی کرمانی و عماد فقیه و ... و تأثیری که در این قرن داشته‌اند، سخنی نمی‌گویند؛ در حالی که سده‌ی هشتم از سده‌های بسیار مهم تاریخ ایران است؛ چرا که در این قرن قدرت سیاسی دیگر در منطقه‌ای خاص نیست و در مراکز گوناگونی مشاهده می‌شود.

آقای فوشه کور، آیا هم‌اکنون در مراکز تحقیقاتی و

دانشگاهی فرانسه به کار مشغول هستید یا خیر؟

فوشه کور: من مدتی است بازنشسته شده‌ام اما تا پیش از آن در دانشگاه سوربن به تدریس اشتغال داشتم و گروهی تحقیقاتی نیز تشکیل داده بودم که در مجموعه‌ای ۲۵ نفری به مطالعه در زمینه‌ی اشعار حافظ می‌پرداختند. برای من بسیار مهم بود که ایرانیان نیز در این مجموعه حضور داشته باشند؛ لذا این مجموعه متشکل از شماری افراد ایرانی و فرانسوی بود. بعد از این‌که بازنشسته شدم، فعالیت‌های این گروه نیز متوقف شد.

از میان استادان فرانسوی که فعالیت‌های گسترده و ارزشمندی در عرصه‌ی ادبیات فارسی به انجام رسانده‌اند، چه کسانی را می‌شناسید؟

فوشه کور: از جمله برجسته‌ترین این استادان یکی آقای کریستف بالابی است که از استادان مدرسه‌ی زبان‌های شرقی هستند، وی در آغاز شاگرد من بود و من به او توصیه کردم به مطالعه در زمینه‌ی داستان‌نویسی معاصر و به طور کلی ادبیات معاصر ایران بپردازد. دانشجوی دیگری نیز دارم که به تحقیق و مطالعه در زمینه‌ی ادبیات کلاسیک ایران مشغول است نام ایشان خانم «لاندو» است و از امیدهای برجسته‌ی ما در این حوزه به شمار می‌آید. ادبیات کلاسیک در ایران از زمانی که ایرانیان طرز تهیه‌ی کاغذ را در سمرقند از چینی‌ها فرامی‌گیرند آغاز می‌شود و تا سده‌ی نوزدهم یعنی زمان تأسیس چاپخانه در تبریز ادامه می‌یابد پس از آن تغییرات زیادی در ادبیات فارسی به وجود می‌آید و به طور کلی ادبیات وارد مرحله‌ی دیگری می‌شود.

به نظر شما تفکر اسلامی، به خصوص تفکری که در قرآن حاکم است تا چه اندازه در اندیشه‌ی حافظ و به تبع آن در اشعار او اثرگذار بوده است؟

فوشه کور: به نظر من قرآن کریم و تفسیرهای آن، تأثیر زیادی در ادبیات فارسی داشته است. ایرانیان ضمن این‌که قرآن می‌خواندند، تفسیرهای زیادی نیز در آن زمینه می‌نوشتند؛ برای نمونه تفسیر طبری از نخستین تفسیرهای قرآنی است که ایرانی‌ها آن را تهیه کرده‌اند؛ لذا مفاهیم قرآنی از طریق تفسیرهایی نظیر تفسیر طبری و همچنین کشف‌الاسرار میبدی وارد آثاری نظیر مثنوی معنوی و همچنین دیوان حافظ شده است. البته حافظ از تفسیر کشف نیز نام می‌برد که به نظر می‌رسد اشاره‌ی او به این



فرانسه در وضعیت مناسبی نمی‌بینم و این مسأله دو علت دارد که یکی از آنها مربوط به کمبود بودجه است. متأسفانه در فرانسه بودجه مناسبی به این امور اختصاص داده نمی‌شود. سال پیش همایشی در مورد حافظ در انگلستان برگزار شد، من نیز در این همایش شرکت کردم و شاهد بودم که هزینه زیادی صرف این همایش شده است. به طور کلی در کشورهای مثل آمریکا و انگلیس، تحقیقات بسیار خوبی در زمینه فرهنگ و ادبیات ایران انجام می‌شود و بودجه‌های مناسبی به این کار اختصاص داده می‌شود. مشکل دیگر مربوط به گرایش بیش از اندازه به علوم اجتماعی و سیاسی است؛ حال آن‌که سایر رشته‌های علوم انسانی نظیر جغرافیا، ادبیات و تاریخ نیز دارای ارزش هستند و باید مورد توجه واقع شوند. البته اخیراً خانمی در فرانسه راجع به سلسله تیموریان و خانم دیگری در مدرسه مطالعات، درباره تاریخ ایران در سده هفتم و هشتم، تحقیقات برجسته‌ای انجام داده‌اند. خلاصه این‌که به دلیل اوضاع و احوال جامعه فرانسه، علوم اجتماعی و سیاسی به قدری گسترش و اهمیت یافته است که گرایش عمده جوانان به این سمت است و نسبت به سایر رشته‌های علوم انسانی بی‌توجهی و یا کم‌توجهی هستند.

به نظر شما دولت ایران و نیز دانشگاه‌ها و نهادهای فرهنگی، چگونه می‌توانند به رشد مطالعات و آموزش زبان و ادبیات فارسی در فرانسه کمک نمایند؟

فوشه‌کور: به عقیده من بهترین راه برای رشد و توسعه آموزش زبان و ادبیات فارسی، تبادل استادان و حضور استادان ایرانی در فرانسه است، البته این حضور باید به طور موقت باشد، زیرا اگر استادان ایرانی حضور دائمی در فرانسه داشته باشند، استادان فرانسوی دیگر امکان کار کردن نخواهند داشت؛ لذا حضور استادان ایرانی در فرانسه باید در راستای کمک به استادان فرانسوی باشد.

آقای دکتر فوشه‌کور، این چندمین بار است که به ایران سفر می‌کنید؟

تفسیر از روی طنز و مطایبه است و گویی بهره چندانی از آن نبرده است.

من مقاله‌ای راجع به حضرت نوح و تصویر او در تفاسیر قرآنی به زبان فارسی نوشته‌ام و در این مقاله اشاره کرده‌ام بهترین متنی که درباره این پیامبر یافته‌ام مربوط به مثنوی معنوی است، مولانا در شعری با به نظم کشیدن گفت‌وگوی نوح با پسرش کنعان، شخصیت این پیامبر را به خوبی به تصویر کشیده است.

جناب آقای فوشه‌کور، به نظر می‌آید شما غیر از حافظ به مولانا و مطالعه در آثار او نیز علاقه‌مند هستید اگر ممکن است در این زمینه صحبت بفرمایید.

فوشه‌کور: بله، من غیر از حافظ، به شخصیت مولانا و همچنین عطار و سنایی نیز علاقه‌مند هستم و در کتاب اخلاقیات خود که در سال ۱۹۸۶ م. آن را تألیف کرده‌ام، از شخصیت عطار و سنایی بسیار بهره گرفته‌ام، به عقیده من سنایی و عطار نیز که از پیشگامان ادبیات عرفانی هستند، شخصیت و آثار برجسته‌ای دارند و باید مورد توجه واقع شوند.

هم‌اکنون وضعیت آموزش زبان و ادبیات فارسی را در فرانسه چگونه می‌بینید؟

فوشه‌کور: من هم‌اکنون آموزش زبان و ادبیات فارسی را در

قرآن کریم و تفسیرهای آن، تأثیر زیادی در ادبیات فارسی داشته است. ایرانیان ضمن این که قرآن می خواندند، تفسیرهای زیادی نیز در آن زمینه می نوشتند، لذا مفاهیم قرآنی از طریق تفسیرهایی نظیر تفسیر طبری و همچنین کشف الاسرار میبیدی وارد آثاری نظیر مثنوی معنوی و همچنین دیوان حافظ شده است. البته حافظ از تفسیر کشاف نیز نام می برد که به نظر می رسد اشاره او به این تفسیر از روی طنز و مطایبه است و گویی بهره چندان از آن نبرده است

فوشه کور: من از سال ۱۹۶۸ م. به این طرف تقریباً هر سال به ایران می آیم و پس از هانری کربن به طور رسمی جانشین او در انجمن ایران شناسی شدم. البته معتقدم هرگز نمی توانم جای کربن را بگیرم، زیرا او فردی استثنایی بود و تحقیقات او در زمینه فلسفه اسلامی کم نظیر، بلکه بی نظیر است. خوشبختانه این انجمن در دوران پیش از انقلاب و همچنین پس از آن بسیار موفق عمل کرده است اما از آنجا که تحقیقات کربن بیشتر بر فلسفه اسلامی متمرکز بود، دولت فرانسه تصمیم گرفت فعالیت این انجمن را گسترش دهد، بنابراین از من خواستند مرکزی مستقل تشکیل دهم و از محققان دعوت نمایم تا در همه زمینه های علوم انسانی به مطالعه و تحقیق پردازند و از آن پس ریاست انجمن ایران شناسی به بنده واگذار گردید و من جانشین هانری کربن در این مؤسسه شدم. مدیریت این انجمن هر سه - چهار سال یک بار تغییر می یابد و هم اکنون آقای براون برزی مدیر انجمن است اما ایشان نیز به دلیل این که مدیریت این انجمن مانع از فعالیت های علمی - پژوهشی می شود قصد دارند از این سمت کناره گیری نمایند. از مهم ترین کارهایی که بنده در این انجمن انجام داده ام تأسیس مجله ایران شناسی است که هر سال شماره ای از آن به چاپ می رسد.

پس از سال ها تحقیق بر روی دیوان حافظ و انس با آن کدام یک از اشعار او را بیشتر می پسندید؟

فوشه کور: پاسخ به این سؤال برای من بسیار دشوار است، زیرا اشعار حافظ هر کدام به جای خود زیبا و دلپسند است، اما اگر بخواهیم با در نظر گرفتن عمق فکری اشعار حافظ، این گزینش را انجام دهم، باید بگویم به عقیده من عمیق ترین اشعار حافظ دو غزل با مطلع های ذیل است:

در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد
عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد ...
سال ها دل طلب جام جم از ما می کرد
آنچه خود داشت ز بیگانه تمنّا می کرد ...

به نظر من حافظ معلم و استاد نبود بلکه اهل اعتکاف و تفکر بود. او در سراسر غزلیاتش می خواهد راه رندی را بیاموزد و همه غزل هایش سرشار از مفاهیم رندانه است خصوصاً اولین غزل او که با مطلع:

الا یا ایها الساقی ادر کأساً و ناولها
که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها
آغاز می شود. همچنین حافظ در غزلی که با مطلع:
ای بی خبر بکوش که صاحب خبر شوی
تا راهرو نباشی کی راهبر شوی
نیز در پی آموختن چنین راهی است، وی در این غزل کوشش خود را، تنها راه رسیدن به خدا و سر تا پا خدایی شدن می داند.
شما ضمن ترجمه اشعار حافظ، توضیحات، یادداشت ها و تعلیقاتی نیز بر این کتاب اضافه کرده اید، اگر ممکن است درباره این یادداشت ها و تعلیقات و همچنین موضوع آنها، توضیحات لازم را بیان نمایید.

فوشه کور: این یادداشت ها و تعلیقات شامل سه قسمت مربوط به تکنیک های شعری است و به معرفی انواع فنون شعری اعم از وزن و قافیه می پردازد. بخش دوم به معرفی فضای کلی اشعار می پردازد، به عقیده من هر یک از اشعار حافظ دارای فضایی خاص است و من سعی کرده ام این فضا را به طور مختصر در چند سطر توضیح دهم و قسمت سوم مربوط به شرح لغات مشکل است، برای انجام این کار من از کتاب های فراوانی که محققان ایرانی در این زمینه نوشته اند استفاده کرده ام؛ برای نمونه از کتاب های دکتر خانلری و آقای خرمشاهی بسیار بهره برده ام.

از این که وقت خود را در اختیار ما قرار دادید بسیار سپاسگزارم، در پایان اگر صحبت خاصی دارید بفرمایید.
فوشه کور: از مهمان نوازی شما و از این که با گوش هوش به سخنان بنده گوش سپردید، سپاسگزارم و در پایان پیغامی برای جوانان ایرانی دارم که حافظ نیز در شعر زیر به آن اشاره نموده است:

«سال ها دل طلب جام جم از ما می کرد
آنچه خود داشت ز بیگانه تمنّا می کرد
گوهری کز صدف کون و مکان بیرون است
طلب از گمشده های لب دریا می کرد...»

به عقیده من این گوهر، همان ادبیات فارسی است که حافظ در این شعر، ارزش وجودی آن را نمایان کرده است؛ لذا از جوانان ایرانی می خواهم این گوهر را بشناسند، به عمق آن پی ببرند و در نهایت در این عرصه صاحب نظر شوند.